

## خواهش!



### خطبه ای از انجیل لقا 11:5-13

5سپس به ایشان گفت: «فرض کنید که یکی از شما دوستی داشته باشد و نیمه شب نزد آن دوست برود و بگوید: 'ای دوست، سه قرص نان به من قرض بده 6یکی از دوستانم که در سفر بود به خانه من وارد شده است و چیزی ندارم پیش او بگذارم.' 7و او از داخل جواب بدهد: 'مزاحم من نشو! حالا در قفل شده است و من و بچه‌هایم به رختخواب رفته‌ایم و نمی‌توانم برخیزم تا چیزی به تو بدهم.' 8بدانید که حتی اگر از روی دوستی برنخیزد و چیزی به او ندهد، اما سرانجام سماجت او، او را وادار خواهد کرد که برخیزد و هرچه را دوستش احتیاج دارد، به او بدهد. 9پس به شما می‌گویم تقاضا کنید که به شما داده خواهد شد، بجویید که پیدا خواهید کرد، بکویید که در به روی شما باز خواهد شد. 10چون هرکه بخواهد به دست می‌آورد و هرکه بجویید پیدا می‌کند و هرکه بکویید در برویش باز می‌شود. 11آیا در میان شما پدری هست که وقتی پسرش از او ماهی بخواهد به عوض ماهی، ماری در دستش بگذارد. 12یا وقتی تخم مرغ بخواهد عقربی به او بدهد؟ 13پس اگر شما با اینکه گناهکار هستید، می‌دانید چگونه چیزهای خوب را به فرزندان‌تان بدهید، چقدر بیشتر پدر آسمانی، روح‌القدس را به آنانی که از او تقاضا می‌کنند، عطا خواهد فرمود!»

من باید با خدا صحبت کنم؟ چرا؟ اگر او می‌خواهد با من حرف بزند باید او وجود داشته باشد. این صحبت‌ها را یک مرد جوان که در همسایه‌گی ما هست درباره دعا کردن زده است. او در انجا برقی در چشم‌های ادم‌هایی که دعا می‌کردند می‌دید. حال چگونه است اگر این حقیقت داشته باشد که ادم بتواند درباره همه چیز با خدای زنده صحبت کند. این خیلی خوب می‌شود اگر ادم قلب خودش را بر روی خداوند باز کند. و با او درباره همه چیز از زندگی‌اش که چه خوب و چه بد گذشته است صحبت کند. حتی درباره آن چیزهای که متوجه نمی‌شود. و چه خوب می‌شود که او من را همین‌طور که هستم در مقابل خودش بپذیرد. بله این خیلی دلپذیر می‌شود. صحبت کردن با خدا یک چیز بسیار فوق‌العاده‌ای است. وقتی که صحبت کردن یک امر عادی در بین ما انسان‌ها است پس نباید این امر نیز در میان ما و خدا وجود نداشته باشد. ادم می‌تواند برای خودش یک دنیایی را تصور کند که همه چیز آن با کامپیوتر کنترل و هدایت می‌شود. دیگر در انجا نه فروشنده مهربانی در بستنی‌فروشی‌ها وجود دارد نه بستچی و نه کافه‌ای و نه یک تاکسی. حتی ادم باید یک بازی شطرنج را با کامپیوتر بازی کند. حال چه چیز بدتری نیز در این دنیا می‌تواند وجود داشته باشد؟ بله، عدم وجود رابطه‌ها و صحبت کردن‌های مابین انسان‌ها. زیرا هر اندازه که کامپیوترها ارزانتر و قابل‌اطمینان‌تر از انسان‌ها باشند ولی ادم نمی‌تواند با آنها رابطه‌ای برقرار کند. هر چیزی که در بین ما انسان‌ها وجود دارد. در رابطه بین ما با خدا نیز وجود دارد. خداوند رباط‌نیا‌آفریده است بلکه او انسان خلق کرده است. انسان‌هایی که اشتباهات بزرگی انجام می‌دهند و یا تصمیمات بدی را اتخاذ می‌کنند. ولی انسان‌هایی که می‌توانند صحبت کنند و اینگونه است که این یکی از فاکتورهای اصلی ما مسیحیان بین ما و خدا می‌شود. ما می‌توانیم به خدا همه چیز را بگوییم و همچنین به او شکایت کنیم و درخواست داشته باشیم و حتی ناسزا بگوییم. ولی ما می‌توانیم در هر صورت او را با سازهای موسیقی مثل ارگ، شپور، فلوت و با هر چیز دیگری ستایش بکنیم. ستایشی که صدای بلندی داشته باشد زیرا او وجود دارد. و برای اینکه او همه چیز را آفریده است ما او را ستایش می‌کنیم.

در ایه‌های امروز خطبه ما، عیسی می‌خواهد به ما این جرات را بدهد تا ما همین کار را بکنیم. با خدا شروع به حرف زدن بکنیم و حتی انقدر مزاحم او بشویم تا او در مقابل ما عکس‌العملی نشان دهد. و برای همین عیسی از زمان عهد جدید مثالی را برای ما عنوان می‌کند. در زمان اسرائیل قدیم، ادم نمی‌توانست به آسانی به مرکز خریدی برود و یک تکه نان بخرد. برای

همین یک رابطه ای مابین همسایه ها وجود داشت تا بتوانند از همدیگر نان غرض بگیرند. حتی اگر آن شخص تقاضا کننده همسایه خودش را بسیار ناراحت کرده باشد. و عیسی اینگونه به ما می گوید که چطور یک دوست به همسایه بد خودش لطف می کند. و او این را با رابطه بین ما و خدا مقایسه می کند و می گوید که او بیشتر از یک همسایه به ما برکات آسمانی اش را اهدا می کند. خدا می خواهد که ما فقط از او خواهش کنیم. او این را می خواهد زیرا او دوست دارد تا ما را از آن جایگاه بی ایمانی خلاصی دهد. بنابراین هرکسی که خواهش کند ایمان دارد. کسی که از خدا چیزهای زیادی را بخواهد او در همان لحظه در یک رابطه ای با خدای زنده است. و برای همین همیشه ما با او در ارتباط هستیم و ما با دعاهايمان احساس آزادی می کنیم. زیرا ما بدون دعا، تنها باقی می مانیم. بدون دعا کردن، ما باید بیشتر کار کنیم و بیشتر زحمت بکشیم تا بتوانیم به هدف های خودمان برسیم. و وقتی که من ناکام بمانم فقط می توانم ناامید و عصبانی بشوم و به آن عده از افراد بنگرم که به ناامیدی من خیره شده اند. و یا شاید هم من این ها را تفسیر خودم بدانم و برای همین سکوت اختیار کنم. من با دعا کردن می توانم از دام شیطان بیرون آیم. من می توانم همه چیزم را در مقابل خداوند بگذارم و گذشته ام را فراموش کنم و همه چیز را دوباره آغاز کنم. و همچنین من با داشتن هر حالتی از زندگی الان خودم، این را می دانم که خدا برای من یک چیز خوبی را در انتظار دارد. در مثال آن دوست مزاحمی که در نیمه های شب مزاحم همسایه می شود و در را می کوبد می توان گفت که، دلیلی که به او جواب داده می شود فقط بخاطر در زدن او می باشد. حال یک سوالی پیش می آید که چرا خدا بایستی دعاهاى ما را باید بشنود. به طور معمول نباید او اینها را بشنود زیرا ما او را در آسمان ها با اینکارمان اذیت می کنیم و مزاحم او هستیم. نه، در اینجا موضوع فرق می کند زیرا خدا از دعاهاى ما ناراحت نمی شود. و او دوست دارد آنها را بشنود زیرا ما از طریق عیسی مسیح یکی از بندگان او شده ایم. ما فقط می توانیم از طریق عیسی این حق را داشته باشیم و خداوند را پدر خودمان بنامیم. و ما همیشه میل داریم که به او دعا کنیم و او اینها همه را نیز گوش فرا می دهد زیرا ما به او تعلق داریم و یکی از فرزندان او هستیم. ما از طریق عیسی بندگان خداوند هستیم و می توانیم از او محبت پدرا نه انتظار داشته باشیم.

برای همین عیسی مثالی را از این دنیا برای ما آورده است. او از یک پدر زمینی نام می برد که چگونه او بجای اینکه در دست های فرزند خودش یک ماهی قرار دهد یک مار به او میدهد و یا اینکه او بجای یک تکه نان یک تکه سنگ و یا به او یک عقرب بجای یک تخم مرغ می دهد. معمولاً همه ادم ها این را می گویند که این پدر بایستی به زندان انداخته شود. حال سوال اینجا است که چطور ما انتظار نداریم که یک پدر زمینی اینکارها را نکند و در مقابل ایا پدر آسمانی ما می خواهد همچنین کارهایی را انجام بدهد. عیسی می خواهد که ایمان ما را بهبود ببخشد و میل دارد این کار را بکند زیرا ما انسان ها اغلب راه درست سعادت بخش را از دست داده ایم. من در اینجا باید اقرار کنم که ما در برخی از زمان ها برنامه خداوند را خوب متوجه نشده ایم. وقتی که من در کنار بستر فرزندم که در حال مرگ است نشسته باشم و از خداوند برای درمان او درخواست شفا داشته باشم و در آنجا جوابی از او دریافت نکنم چطور می توانم به او ایمان داشته باشم؟ و چرا اصلاً او به دعاهاى من پاسخ نمی دهد؟ ایا خدا به ما فقط چیزهای خوب را می دهد؟ عیسی در اینجا می گوید: بله. خدا فقط برای ما چیزهای خوب را می خواهد فقط مشکل این است که ما انسان ها راه او را نمی توانیم خوب بشناسیم. هر چیزی که خدا به ما می دهد را ما نمی توانیم ببینیم ولی آنها همه خوب می باشند. من فقط یک چیزی را می دانم و آن هم اگر تمام خواسته های من برآورده بشوند دیگر این دنیای الان ما خیلی بدتر می شد. مثلاً اگر در جلوی من کسی راه دوچرخه من را از من بگیرد فوراً در ذهن من خواسته های پلیدی می آید و من آنها را از خدا می خواهم که انجام دهد. ولی خدا این خواست من را انجام نمی دهد و در اینجا من از خدا تشکر می کنم که خواست من را انجام نداده است. ولی خداوند در هر جایی برای من روح خودش را خواهد فرستاد. عیسی ولی در اینجا توضیح می دهد که خداوند به چه میزان روح خود را به کسانی که از او خواهش می کنند روانه می کند. ولی بعضی ها شاید از این صحبت خشنود نشوند زیرا آنها می گویند مثلاً من از خدا شفای فرزند بیمارم را می خواهم و در عوض خداوند به من روح خودش را هدیه می دهد. بله امکان دارد که خواست ما در برخی از اوقات مغایر هدایای خداوند باشد. و ما هم همانند یک کودکی که در اسباب فروشی قرار دارد بگوییم و فریاد بزنیم که نه من یک چیز دیگری دوست دارم داشته باشم. ولی در اصل خداوند چیز بیشتری به ما می دهد نسبت به آن چیزی که ما از او درخواست می کنیم و آن هم همان اتحاد مابین خودمان و او است. خداوند یک چیز باارزش دیگری را می بیند چیزی که چشم های ما آن را نمی توانند ببینند. او با هم بودنی که در بین ما هست را در ما قرار می دهد. و این تا ابد با ما خواهد بود. یک خانم دکتر هندی به نام Mary Verghese در یک سانحه تصادف با اتوبوس دچار ضاعده نخاعی می شود. او برای شفای خودش خیلی دعا کرد ولی او بعد از عمل های زیاد باز هم شفا نیافت. خدا دعای او را در ابتدا جواب نداده بود. و او این را نیز نفهمیده بود. و او در انتها در کتابش می نویسد: من از خدا شفای پاهایم را درخواست کرده بودم ولی او به من بال می دهد. خداوند همیشه به ما بیشتر از آن چیزی که درخواست می کنیم و یا تصور می کنیم می دهد. ما خیلی چیزهای مهمی در زندگی داشتیم که الان دیگر برای ما بی مفهوم شده اند. او همیشه منتظر این است که ما از او خواهش کنیم تا بهترین ها را به ما بدهد. او در آسمان ها نشسته است و آماده باز کردن درهای رحمت به سوی ما انسان ها می باشد. او فقط منتظر این کلمه از ما است: ای پدر آسمانی خواهش می کنم!